

## فهرست مطالب

.....	۱- چهارچوب نگرش و تعریف جامعه‌شناسی
.....	۱-۱- چهارچوب نگرش
.....	۱-۲- تعریف جامعه‌شناسی
.....	۲- نیاز و نقش آن در جامعه و رفتار اجتماعی
.....	۲-۱- آمیختگی و اشباع نیازها
.....	۳- روابط اجتماعی به عنوان هسته جامعه‌شناسی
.....	۳-۱- هدف از روابط اجتماعی و اهمیت آن
.....	۳-۲- پیچیدگی روابط اجتماعی: یک بیماری اجتماعی
.....	۳-۳- در جستجوی انتظام در روابط اجتماعی
.....	۴- گزینه به عنوان علت رفتارهای مشابه در جامعه
.....	۴-۱- تعریف
.....	۴-۲- تجزیه رفتار غریزی
.....	۴-۳- نتیجه‌گیری
.....	۴-۳-۱- کنترل گزینه
.....	۵- گروه‌های اجتماعی
.....	۵-۱- تعریف گروه اجتماعی
.....	۵-۲- وجه اشتراک مهم
.....	۵-۳- فعالیت مشترک و کنش متقابل
.....	۵-۴- احساس تعلق خاطر
.....	۵-۵- عناصر دیگر
.....	۵-۵-۱- ساخت و سازماندهی
.....	۵-۵-۲- رهبری
.....	۵-۶- انواع گروه‌ها
.....	۵-۶-۱- گروه خودی و گروه غریبه (in-group, out-group)
.....	۵-۶-۲- گروه‌های مرجع
.....	۶- هنجارهای اجتماعی
.....	۶-۱- کارکرد هنجارها
.....	۶-۱-۱- تحدید، تعریف و کاربرد
.....	۶-۱-۲- آگاهی از هنجار
.....	هنجارهای درونی
.....	هنجارهای بیرونی
.....	۶-۱-۳- هنجارهای پایدار و ناپایدار
.....	۶-۲- علل پیروی و عدم پیروی از هنجار

- ۱-۲-۶- علل پیروی از هنجار .....
- ۲-۲-۶- علل عدم پیروی از هنجار .....
- ارزشها و اهداف - امکانات نابهنجاری .....
- ۷- ارزشهای اجتماعی .....
- ۱-۷- تعریف و تحدید .....
- ۲-۷- ارتباط و تفاوت بین «هنجار» و «ارزش» .....
- ۸- فرهنگ .....
- ۱-۸- تعریف و تحدید .....
- ۲-۸- پیدایش و انتشار فرهنگ .....
- ۳-۸- پیشرفت فرهنگی و برخی از شرایط آن .....
- ۱-۳-۸- قدرت تفکر و ادراک .....
- ۲-۳-۸- سازماندهی تفکر - تاثیر ارزش و هنجار .....
- ۴-۸- نفوذ فرهنگی بیگانگان و تغییر فرهنگی .....
- ۱-۴-۸- اهداف و انگیزه‌های فرهنگی .....
- ۲-۴-۸- فرهنگ ایده‌آل در جهان سوم .....
- فرهنگ هجو .....
- ۹- اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری .....
- ۱-۹- طرح مسئله .....
- ۲-۹- در تعریف و تحدید .....
- ۳-۹- الگوی تربیتی و ارزشهای متغیر .....
- ۱-۳-۹- انتقال ارزشهای پایدار .....
- ۲-۳-۹- رشد هوشی .....
- ۳-۳-۹- ابزار پرورش هوش .....
- ۴-۹- خلاصه و نتیجه‌گیری .....
- ۱۰- موقعیت، نقش و پایگاه اجتماعی .....
- ۱-۱۰- موقعیت اجتماعی .....
- ۲-۱۰- نقش اجتماعی .....
- ۳-۱۰- پایگاه اجتماعی .....
- ۴-۱۰- تحرک اجتماعی .....
- ۱۱- قشربندی و نابرابری اجتماعی .....
- ۱-۱۱- علل نابرابری .....
- ۱-۱-۱۱- نظام آفرینش و نابرابری .....
- ۲-۱-۱۱- سرمایه و نابرابری .....
- ۳-۱-۱۱- هنجار و نابرابری .....

## مرکز تخصصی خدمات آموزشی گروه پزشکی فرهنگ گستر نخبگان

۴-۱-۱۱- نیاز و نابرابری

۵-۱-۱۱- ارزش و نابرابری

۱۲-هنجارآوری

۱-۱۲- شرایط تبدیل یک پدیده به هنجار

۱-۱-۱۲- ساختار مناسب

۲-۱-۱۲- انتخاب پدیده مناسب

۲-۱۲- مراحل تبدیل یک پدیده به ارزش و هنجار

۳-۱۲- برخی از عوامل موثر در سرعت انتشار

## ۱- چهار چوب نگرش و تعریف جامعه‌شناسی

### ۱-۱- چهار چوب نگرش

در مباحث جامعه‌شناختی، عموماً بحث درباره دو موضوع (object) دور می‌زند. یکی «فرد» و دیگری «جامعه» و سپس تاثیر متقابل این دو بر یکدیگر. این نگرش دو سیستمی که فقط «سیستم فردی» (personal system) و «سیستم اجتماعی» (social system) را در مدنظر قرار می‌دهد، برای بررسی مسئله (شناخت جامعه) کافی به نظر نمی‌رسد. زیرا یک سیستم تاثیرگذار دیگر بر روی فرد و جامعه را در نظر نگرفته است. این سیستم سوم، سیستم طبیعت (nature) یا به عبارت دقیق‌تر «نظام آفرینش» است.

از طرف دیگر، توجه به نظام دو سیستمی و کار کردن در آن، پیامدهایی برای انسانها و جوامع دارد. در نظام دو سیستمی انسانها خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و (چنانکه خواهیم دید) میل به برتری جوئی خود را بر اساس مقیاس‌های «دیگران مهم» (singnificant others) ارضاء می‌نمایند. این مقیاسها عموماً ظاهری‌اند و انسانها در پی دستیابی به این مقیاس‌ها و وسیله و ابزار دسترسی به آنها، از جمله کسب قدرت بر می‌آیند. بدین ترتیب نظام ارزشی و پایه نظام اجتماعی بر یک سیستم از عوامل ارزشی مادی استوار می‌شود و تمام قواعد اجتماعی برای چگونه بهتر دست یافتن به این ارزشهای مادی و چنانکه خواهیم دید در حد زیادی «سراب مانند» تنظیم می‌گردند.

در پایان دو تذکر لازم به نظر می‌رسد:

۱- نگرش سه سیستمی به یک نظام اجتماعی خاص در غرب یا شرق محدود نمی‌شود. در همه جا از جمله غرب نیز بسیاری از افراد چنین می‌اندیشند.

۲- نگرش سه سیستمی اگر ظاهری و بدون درک محتوایی، با قالبهای محدود از درک آن و همچنین عدم درک و رعایت آن از جانب اداره کنندگان جامعه باشد، در آن صورت به جامعه در حد زیادی ضرر خواهد زد.

### ۱-۲- تعریف جامعه‌شناسی

جامعه را به طور کلی این طور تعریف می‌کنند که از یک عده افرادی تشکیل شده است که برای ارضاء نیازهایشان، با هم روابط اجتماعی دارند. این تعریف یک انتظار ایده‌آل از «کارکرد» ایده‌آل یک جامعه است و بیشتر جامعه‌شناسان «کارکردگرا» (functionalist) به آن اعتقاد دارند. اما دانشمندان پیرو تئوری «تضاد» (conflict theory) معتقدند که در درون جامعه، در پی علائق مختلف انسانها و گروهها، تضادهای گوناگون وجود دارد. لذا روابط انسانها همواره در جهت کارکرد مناسب جامعه نیست. از این رو پیروان این تئوری معتقدند که باید «تضاد» را به عنوان هسته اصلی مطالعه در جامعه‌شناسی دانست.

بر اساس این مقدمه، منظور از جامعه‌شناسی آنست که ما:

- الف) بتوانیم جامعه و تمام اجزاء و فرآیندها و جریانهای درون آن را با روشهای دقیق و قابل اطمینان بشناسیم. این شامل رفتارهای انسانها و روابط آنها با یکدیگر و اهداف و نیازهای آنها می‌شود.

- (ب) علل این رفتارها، روابط و نیازها و ارتباط آنها را با هم به طور سیستماتیک تبیین کنیم.
- (ج) عواقب فرایند اجتماعی را نیز تحت شرایط خاص موجود و یا با در نظر گرفتن برخی از تغییرات، تا حدودی پیشگویی نماییم.

## ۲- نیاز و نقش آن در جامعه و رفتار اجتماعی

گرچه هسته اساسی مطالعات جامعه‌شناسی، روابط اجتماعی بوده و هست، اما از دهه ۱۹۷۰ و بالاخص ۱۹۸۰ «نیاز» به عنوان یک عنصر اساسی جامعه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

شاید بتوان گفت که مهمترین گام در این مسیر را آبراهام ماسلو (Maslow, 1977) نهاد. هرچند به نظریات او انتقاداتی در جهت اصلاح آنها شده است. اما هسته اصلی تئوری او، یعنی فطری بودن نیازها مورد تایید است. بر این اساس انسانها دارای پنج دسته (categories) نیازهای فطری (instinctoid) می‌باشند:

۱- نیازهای جسمی، Physiological Needs

۲- نیاز به ایمنی، Security, Safety

۳- نیاز به روابط اجتماعی و محبت، Affiliation, Love

۴- نیاز به تایید و احترام، Recognition, Esteem

۵- نیاز به خویشتن‌یابی، Self Actualization

### ۱-۲- آمیختگی و اشباع نیازها

نیازهای انسانی به طور مجزا قابل ارضا نیستند. نیازهای جسمی صرف و ناب بسیار نادرند. نیازها عموماً با هم آمیخته‌اند.

نیاز به احترام یک عامل مهم در گسترش ارزشها و نیازهای مادی در جامعه و سوق دادن جامعه و مردم به سوی این ارزشها و نیازها می‌باشد، آنهم از طریق پیوند و آمیختگی نیاز به احترام با این ارزشها و نیازهای مادی (کالاها).

## ۳- روابط اجتماعی به عنوان هسته جامعه‌شناسی

### ۱-۳- هدف از روابط اجتماعی و اهمیت آن

روابط اجتماعی هم یک نیاز فطری (instinctoid) و لذا هدف است و هم وسیله ارضای نیازهای دیگر. و این یکی از نکات جالب در نظام آفرینش است که سیستم زندگانی اجتماعی انسانها و تشکیل جامعه را در فطرت آنها نهاده است، به طوری که انسان بدون این روابط اجتماعی قادر به زیستن نیست. در عین حال با این توصیف اهمیت خاص روابط اجتماعی نیز مشخص می‌شود، آنهم از دو بعد:

۱- نیاز و

۲- وسیله ارضای نیاز.

از اینجا است که دانشمندان به روابط اجتماعی به عنوان یک واقعیت مهم و مستقل می‌نگرند و آن را در قالب یک رشته خاص به نام «جامعه‌شناسی» مورد بررسی قرار می‌دهند.

به طور مشخص منظور از روابط اجتماعی، «ارتباط و وابستگی متقابل انسانها و جهت‌گیری رفتاری» آنها است.

### ۲-۳- پیچیدگی روابط اجتماعی: یک بیماری اجتماعی

هدف از روابط اجتماعی ارضا نیازها است. لذا:

- هر چه پیچیدگی روابط بیشتر شود، ارضای نیازها بیشتر دچار اختلال می‌شوند.
- هرچه که ارضای نیاز بیشتر دچار اختلال شود، احساس ناکامی (Frustration) در افراد مربوط و اعضاء جامعه بیشتر می‌شود.
- هرچه که ناکامی افراد بیشتر شود، بر اساس نظریه Dollard & Miller احتمال پرخاشگری (Aggression) و همچنین بر اساس نظریه فروید، انواع انحرافات بیشتر می‌شود.

از سه قانونمندی فوق، قانونمندی آخر (یعنی: ناکامی) پرخاشگری) یک قانون روانشناسانه است، گرچه در جامعه‌شناسی نیز از آن استفاده می‌شود. قانونمندی دوم، هم دارای ابعاد روانشناسی و هم جامعه‌شناسی است. اما قانونمندی اول یک جامعه‌شناسی است، هر چند که شاخه‌های دیگر علوم نیز از آن استفاده می‌نمایند.

عوامل تشدید کننده پیچیدگی اجتماعی زیادند که برخی از آنها در این مرحله قابل ذکرند و برخی دیگر نیاز به توضیحات مقدماتی و اطلاعاتی از نظام اجتماعی دارند و پس از تشریح آنها در فصول بعد، قابل طرحند. لذا در اینجا فقط می‌توان به برخی اشاره کرد. از آن جمله: افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی و مهاجرت و همچنین گسترش آموزش در جهان سوم که موجب گسترش نظام اداری و در نتیجه علی‌الاصول پیچیدگی بیشتر می‌شود.

با گسترش پیچیدگی، نظم اجتماعی از بین رفته و آشفتگی جامعه را فرا می‌گیرد. در نتیجه کنترل و اداره کشور بسیار دشوار می‌شود.

### ۳-۳- در جستجوی انتظام در روابط اجتماعی

بررسی علمی هر پدیده به معنی آنست که آیا در درون آن پدیده یک نوع روابط علی قابل مشاهده است تا بتوان جواب «چرا»ها را داد؟ یعنی هم بتوان علت‌ها را یافت و به اصطلاح پدیده موردنظر را تبیین کرد و هم بتوان از آن روابط علی، نتایج دیگر را به دست آورد، یعنی در مورد وضعیت آینده پیش‌بینی، یا به عبارت دقیقتر «پیشگویی»هایی (Prognose, Prediction) نمود.

یکی از مهمترین پدیده‌های مورد بررسی در روابط اجتماعی در درجه اول انتظام یا شباهتهای رفتاری و سپس بررسی علل آن است. البته باید متذکر شد که شباهتهای رفتاری همیشه این چنین ساده قابل مشاهده نیستند و نیاز به کنجکاوی و پژوهشهای عمیق دارند، تا بتوان آنها را کشف و علل آن را جستجو نمود.

#### ۴- غریزه به عنوان علت رفتارهای مشابه در جامعه

این تصور وجود داشت که شباهت رفتار انسانها نیز باید مانند شباهت رفتار حیوانات مبتنی بر پایه‌های طبیعی، یعنی غریزی باشد. آقای گلهن (Gehlen) مردم شناس و جامعه شناس آلمانی بر اساس تحقیقات رفتار شناسی (= مطالعه رفتار حیوانات) آقای کنراد لونس (Konrad Lorenz) دانشمند اطریشی پیشکسوت این علم و تحقیقات آقای پورتمان جانورشناس (Portmann)، نظریه علت غریزی رفتارهای مشابه در انسانها را در حد قابل توجهی رد کرده است.

##### ۴-۱- تعریف

منظور از غریزه (instinct) یا رفتار غریزی، رفتاری است:

- ۱- مادرزادی، یعنی ریشه و علت جسمی دارد و در پی تجربه یا آزمایش و خطا آموخته نشده است.
- ۲- در زمینه‌های خاص (مثلاً غذا خوردن یا ساختن آشیانه...) به طور استاندارد و یکسان بروز می‌کند.
- ۳- در هر نوع از حیوانات به شکل خاص و واحد (uniformity) وجود دارد.
- ۴- در شرایط معین در صورت وجود محرک‌های خاص و استاندارد به طور منظم پیش می‌آید و لذا
- ۵- از قبل قابل پیش‌بینی است (که اگر این شرایط پیش آید، آن حیوان آن رفتار را خواهد داشت).
- ۶- در حد زیادی انعطاف ناپذیر است، یعنی همیشه تحت یک شرایط خاص به یک شکل خاص و ثابت ظاهر می‌شود.

##### ۴-۲- تجزیه رفتار غریزی

رفتار غریزی به سه بخش تجزیه شده و بر اساس سه ضابطه رفتار حیوان با انسان مقایسه می‌شود:

الف) منبع غریزه،

ب) رفتار میانی و

ج) رفتار پایانی.

##### ۴-۳- نتیجه‌گیری

بر اساس عناصر تعریف و این سه ضابطه می‌توان نتیجه گرفت که رفتار انسانها نسبت به حیوانات کمتر غریزی است. اما این به آن معنی نیست که رفتار انسان اصلاً غریزی نیست.

### ۱-۳-۴- کنترل غریزه

گه‌لن به جا اشاره می‌کند که رفتار غریزی در رابطه معکوس است با شعور. یعنی هرچه شعور یک موجود بیشتر باشد، رفتار غریزی او کمتر و میزان انعطاف‌پذیری رفتار او بیشتر می‌شود. آموزش یک راه برای رسیدن این هدف است. آموزش در حیوانات نیز وجود دارد. به این معنی که آنها از یکدیگر می‌آموزند. یعنی فرای غریزه، برخی از رفتارها را از طریق آزمایش و خطا یا مشاهده دیگر حیوانات یاد می‌گیرند.

همچنین از طریق آموزش شرطی، انسانها بسیاری از آموزشهای مهم و مفید را به حیوانات می‌دهند. می‌توان با بالا بردن شعور انسانها، رفتار آنها را به طور درونی کنترل نمود.

از بحث‌های بالا نتیجه می‌گیریم که:

- ۱- رفتار غریزی در انسان نسبت به حیوانات کمتر است.
- ۲- این غرائز با رفتارهای اجتماعی آمیخته می‌شوند و نه فقط شیوه ارضای آنها به شرایط اجتماعی بستگی دارد بلکه آنها نیز بر روی نظام اجتماعی تاثیر می‌گذارند.
- ۳- تاثیر غریزه در صورت لزوم از طریق آموزش و بالا بردن شعور امکان‌پذیر است.
- ۴- غریزه بر روی روابط اجتماعی و انتظام آن تاثیر دارد، اما برای تبیین کامل علل انتظام در روابط اجتماعی کافی نیست.
- ۵- تمام رفتارهای اجتماعی حیوانات مبتنی بر غریزه است و در انسان، هنجار فقر غریزه را جبران می‌کند. اما هنجار نیز چنانکه باز هم بیشتر تشریح خواهد شد، خود از نیازهای فطری سرچشمه می‌گیرد، بالاخص نیاز به روابط اجتماعی و نیاز به احترام). بنابراین نظام آفرینش کنترل و سلطه خود را از راه دیگری بر روی انسان انجام می‌دهد، از طریق سیستم نیازهای فطری و پیامدها و کارکردهای آن.

## ۵- گروه‌های اجتماعی

### ۱-۵- تعریف گروه اجتماعی

هومنز نظرات افراد را جمع‌آوری و وجوه اشتراک این نظرات را در تعریف واژه «گروه» استخراج نمود و از این طریق به یک تعریف بیرونی یا (explicit) از مفهوم گروه رسید. او بر این اساس، عناصر مشخص‌کننده واژه گروه را چنین می‌بیند:

- فعالیت مشترک (Activity)
- کنش متقابل، روابط متقابل یا تعامل متقابل (Interaction)
- احساس (Emotion)

بر این اساس گروه اجتماعی از یک عده افرادی تشکیل شده است که دارای:

- یک وجه اشتراک مهم (مانند هدف مشترک، دشمن مشترک و ...)
- فعالیت مشترک و کنش متقابل و
- احساس تعلق خاطر یا احساس «ما» باشند.

## ۲-۵- وجه اشتراک مهم

اهمیت وجوه اشتراک انسانها بسیار به شرایط زمانی و مکانی خاص بستگی دارد. گاه تحت شرایط فشار، «جنس» (زن بودن) به یک وجه اشتراک مهم تبدیل و موجب پیدایش گروه فمینیست‌ها (Feminist) می‌شود و گاه رنگ موجب تشکیل گروه سیاه پوستان ... از همین جا است که پویایی گروهی (group dynamic) به وجود می‌آید: بروز یک وجه اشتراک به پیدایش یک گروه کمک می‌کند و از بین رفتن آن موجب از هم پاشیدگی گروه می‌گردد.

## ۳-۵- فعالیت مشترک و کنش متقابل

منظور از فعالیت مشترک (Activity) آنست که انسانها برای رسیدن به یک هدف مشترک در کنار هم کار و فعالیت کنند. مثلاً فرایند تولید در یک کارخانه یا کوه رفتن یا نماز جماعت... یک نوع فعالیت مشترک محسوب می‌شود (م.ش. Homans, 1972:59).

منظور از کنش متقابل (Interaction)، فعالیت مشترک نیست که دو نفر در کنار هم بدون ارتباط کلامی، بیانی، جسمی یا احساسی، کاری را انجام دهند. این ارتباط (حتی از نوع غیرکلامی آن) شرط کنش متقابل است (Homans, 1972:60). به عبارت دیگر کنش متقابل وقتی به وجود می‌آید که رفتار یا فعالیت یک شخص، فعالیت شخص دیگری را در پی داشته باشد.

## ۴-۵- احساس تعلق خاطر

مقصود از احساس (emotion) (مثلاً احساس خوشحالی، غم، غروب، حسادت، خجالت، علاقه و ...) یک ارزیابی مثبت و منفی از یک زمینه فکری است. مثلاً حسادت (envy) یک ناراحتی و ارزیابی منفی بر پایه این فکر است، که شخص دیگری امتیازاتی به دست آورده است.

## ۵-۵- عناصر دیگر

### ۱-۵-۵- ساخت و سازماندهی

اهمیت ساخت و سازماندهی گروه از جانب بسیاری از دانشمندان تاکید شده است از جمله آقای رز Arnold Rose که تفاوت گروه را با مجموعه‌های انسانی دیگر نشان می‌دهد.

یک گروه، هم رهبر مشترک دارد و هم نقشهای تفکیک شده. اما در مقابل، توده‌ها (masses) حداکثر می‌توانند یک رهبر داشته باشند و نه نقشهای تفکیک شده.

## ۲-۵-۵- رهبری

رهبران یک گروه معمولاً بر اساس ضوابط مختلف انتخاب می‌شوند. (در اینجا منظور از انتخاب آنست که اعضاء یک گروه، خودشان رهبر خود را انتخاب کنند و نه آنکه کسی برای آنها تعیین کند). از بین همه ضوابط، ابتدا ضابطه ارزش‌ها و نیازهای جمعی مهم هستند. یعنی اعضاء یک گروه به دنبال رهبری می‌گردند که به بهترین وجه منطبق با ارزشهای (زمان خاص) آنها باشد و بتواند نیازهای آنها را (در آن زمان خاص) ارضاء کند. سپس برای انتخاب چنین شخصی دو ضابطه دیگر در نظر می‌آید، یکی توانایی و دیگری محبوبیت. هر دوی این عوامل عموماً با هم آمیخته‌اند و تفکیک کامل آن کم و بیش جنبه نظری دارد و در عمل همیشه به طور کامل میسر نیست.

در عین حال باید متذکر شد که در جوامع بیشتر عقلگرا عامل توانایی از اهمیت بیشتری برخوردار است و در جوامعی که مردمش آموزش احساسی بیشتری دیده‌اند و احساسات در تصمیم‌گیریها و ارزیابیهای آنها تاثیر زیاد دارد، به محبوبیت بیشتر توجه می‌شود. در اینکه موارد می‌توان با ابراز برانگیختن احساس به طور نسبتاً ساده‌ای محبوبیت یک شخص را بالا یا پایین برد.

ممکن است که رهبری یک گروه بر اساس دو ضابطه فوق دچار تضاد گردد، بدین معنی که بر اساس ضابطه کارایی، یک فرد، لایق رهبری دیده می‌شود و در مقابل، بر اساس ضابطه محبوبیت و جذب انرژی احساسی مردم، یک شخص دیگر. بدین ترتیب در گروه دو نقش رهبری به وجود می‌آید که این دو می‌توانند کم و بیش با یکدیگر در تضاد قرار گیرند. این مسئله را «تئورم تباعد» یا «تئورم اختلاف» (Divergence Theorem) می‌نامند.

یک رهبر انتخاب شده توسط اعضاء یک گروه که توانست نقش خود را خوب و طبق میل و نیاز اعضاء ایفا کند، به هیچ وجه این ضمانت را نخواهد داشت که در یک زمان دیگر از طرف همان گروه و همان اعضاء قبلی مجدداً انتخاب شود، زیرا با تغییر زمان ارزشها و نیازهای مردم تغییر می‌کند و مردم برای ارزشها و نیازهای جدیدشان شخص دیگری را به عنوان رهبر می‌جویند.

## ۶-۵- انواع گروهها

### ۱-۶-۵- گروه خودی و گروه غریبه (in-group, out-group)

اصطلاح گروه خودی و غریبه را ظاهراً سامنر (Sumner) وارد متون علوم اجتماعی نموده است و مرتون به پیروی از او این مسئله را تفکیک و تشریح می‌کند. منظور از گروه خودی (ourselves یا we-group یا in-group) آن گروهی است که انسان خودش به آن تعلق دارد و گروه غریبه (out-group یا other-group)، گروهی است که در مقابل گروه خودی قرار می‌گیرد و عموماً با آن در رقابت است. مثلاً ما می‌گوییم «ما ایرانیها» (=گروه خودی)، آن عراقیها، آن آمریکاییها (=گروه غریبه)، ما مسلمانها آن بی دینها، ما اعراب، آن اسرائیلیها...

بلومر (Blumer) ۴ عنصر را برای پیدایش موقعیت گروه (Group Position) در نظر می‌گیرد:

- ۱- اعتقاد به برتری گروه خودی (که مترادف قوم‌گرایی ethnocentrism است).
- ۲- اعضاء گروه خودی، به اعضاء گروه مقابل به عنوان غریبه نگاه می‌کنند و از این رو موجب پیدایش گرایش افراطی کلیشه‌ای (stereotype)<sup>۱</sup> نسبت به آنها می‌گردد.
- این دو عنصر پایه اصلی هویت احساسی گروه را تشکیل می‌دهند و موجب پیدایش عناصر دیگر می‌گردند:
- ۳- انتظار حقوق و پایگاه ویژه و بهتر برای گروه خود.
- ۴- گروه مقابل نیز آرزوی داشتن سهم بیشتری در موهبات و امتیازاتی که گروه خودی داراست، دارد.

## ۲-۶-۵- گروه‌های مرجع

گروه مرجع، گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه و با استانداردهای آن خود را ارزیابی (Self evaluation) می‌کنند. گروه مرجع خود به دو نوع است گروه مرجع مثبت و گروه مرجع منفی.

## – برای اطلاع از نحوه دریافت جزوات کامل با شماره های زیر تماس حاصل فرمایید.

۰۲۱/۶۶۹۰۲۰۶۱-۶۶۹۰۲۰۳۸

۰۱۳/۳۳۳۳۸۰۰۲ (رشت)

۰۱۳/۴۲۳۴۲۵۴۳ (لاهیجان)

<sup>۱</sup>- واژه (Stereotype) که ابتدا توسط روزنامه‌نگار امریکایی (Lippman 1922) به کار گرفته شد، «نظر جمعی» اعضا یک گروه را درباره گروهی دیگر می‌رساند که عموماً در شوخیهای گروهی آنها نیز منعکس و تقویت می‌شود و تضادهای گروهی را به وجود می‌آورد. (Hofstatter 1969:207) مثلاً تهرانیها در جکهای خود یک قضاوت قالبی پیش ساخته را درباره اهالی خطه‌های دیگر این مرز و بوم بیان می‌کنند. (مانند اصفهانیها ترسو هستند. فلان جاننها، فلانند) کخ این قضاوتها اساساً واقعیت ندارند، بلکه عموماً از پدیده‌های برداشت شده از گروه A در قالب نظام ارزشی و فرهنگی گروه B اشتباهاً تفسیر می‌گردد.